



الأمثال والحكم

الْمَثَلُ خَيْرٌ وَسِيلَةٌ لِبَيَانِ مَا فِي الضَّمِيرِ
بِصُورَةٍ مُوجِزَةٍ وَنَافِذَةٍ. فَاسْتِخْدَامُ الْأَمْثَالِ
أُسْلُوبٌ قُرْآنِيٌّ جَمِيلٌ نَجَدُهُ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْآيَاتِ،
أَوْ ضِمْنَنَ قِصَصٍ مُتَنَوِّعَةٍ.

إِنَّ الْأَمْثَالَ تُشَكِّلُ جُزْءًا مِنْ تَقَافَةِ الْأُمَّمِ وَحَضَارَتِهَا وَتَتَّبَعُ مِنْ حَيَاةِ الْمُجْتَمَعَاتِ
الْبَشَرِيَّةِ طَوْلَ تَارِيخِهَا.

تُسْتَعْدَمُ الْأَمْثَالُ احْتِرَازًا مِنَ الْإِطْنَابِ. فَهِيَ تُبَيِّنُ الْمَوَاضِعَ بِصُورَةٍ وَاضِحَةٍ
وَلَكِنْ عَلَى سَبِيلِ التَّعْرِيفِ وَالْكِنَايَةِ. هُنَاكَ عِبَارَاتٌ مَنْشُورَةٌ وَمَنْظُومَةٌ أَصْبَحَتْ أَمْثَالًا
وَحِكْمًا لِكَثْرَةِ اسْتِعْمَالِهَا فِي الْأَدَبِ الْعَرَبِيِّ وَدَخَلَتِ الْأَدَبَ الْفَارِسِيَّ بِسَبَبِ الْأِشْتِرَاكِ
الثَّقَافِيِّ بَيْنَ اللَّعْنَيْنِ، نُشِيرُ إِلَى نَمَازِجٍ مِنْهَا:

– الْجَارُ تَمَّ الدَّارَ.

– كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.

– لَا يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرٍ مَرَّتَيْنِ.

– الْمَلِكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَلَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ.

– السَّلَامَ قَبْلَ الْكَلَامِ.

- مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ اللَّهُ لَهُ .
- النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ .
- مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ .
- الْكَلَامُ يَجْرُ الْكَلَامَ .
- ﴿مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ﴾
- أُطْلَبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ .
- النَّجَاةُ فِي الصِّدْقِ .
- اتَّقُوا مَوَاضِعَ التُّهْمِ .
- ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾
- ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾
- ﴿وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ﴾
- ﴿لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾
- ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾
- ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾
- الْكَرِيمُ إِذَا وَعَدَ، وَفَى .
- الْمَسْئُولُ حَرٌّ حَتَّى يَعِدَ .
- لَا يَفَعُ فِي الشُّؤْمِ إِلَّا فَاعِلُهُ .
- عِظْ نَفْسَكَ قَبْلَ أَنْ يَعِظَكَ الدَّهْرُ .

۱- بخشی از آیه ی ۱۳۴ . سوره مبارکه آل عمران است که می فرماید : ﴿وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ

الْمِثَال

آیا با صرف فعل‌ها و حروف اصلی آن‌ها آشنا هستید؟
در مجموعه‌های زیر، حروف اصلی هر فعل را مشخص نمایید و در جای تعیین شده

			بنویسید:									
			ماضی									
			مضارع									
			امر									
<table border="1" style="border-radius: 15px; width: 100%; text-align: center;"> <tr><td>نَزَلَ</td></tr> <tr><td>يُنزِلُ</td></tr> <tr><td>نَزِّلُوا</td></tr> </table>	نَزَلَ	يُنزِلُ	نَزِّلُوا	<table border="1" style="border-radius: 15px; width: 100%; text-align: center;"> <tr><td>قَرَأَ</td></tr> <tr><td>تَقْرَأُ</td></tr> <tr><td>اقْرَأُوا</td></tr> </table>	قَرَأَ	تَقْرَأُ	اقْرَأُوا	<table border="1" style="border-radius: 15px; width: 100%; text-align: center;"> <tr><td>نَصَرْتُمْ</td></tr> <tr><td>يَنْصُرُونَ</td></tr> <tr><td>انصُرُوا</td></tr> </table>	نَصَرْتُمْ	يَنْصُرُونَ	انصُرُوا	
نَزَلَ												
يُنزِلُ												
نَزِّلُوا												
قَرَأَ												
تَقْرَأُ												
اقْرَأُوا												
نَصَرْتُمْ												
يَنْصُرُونَ												
انصُرُوا												
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>										

خسته نباشید! آیا به راحتی توانستید حروف اصلی فعل‌ها را بدست آورید؟

حروف اصلی هر فعل، در صیغه‌های مختلف آن ثابت و یکسان است.

نتیجه:

اکنون سعی کنید در مجموعه‌های زیر، حروف اصلی هر فعل را مشخص نمایید و در

جای تعیین شده بنویسید:

<table border="1" style="border-radius: 15px; width: 100%; text-align: center;"> <tr><td>هَدَى</td></tr> <tr><td>يَهْدِي</td></tr> <tr><td>اهْدِ</td></tr> </table>	هَدَى	يَهْدِي	اهْدِ	<table border="1" style="border-radius: 15px; width: 100%; text-align: center;"> <tr><td>قَالَ</td></tr> <tr><td>يَقُولُ</td></tr> <tr><td>قُلْ</td></tr> </table>	قَالَ	يَقُولُ	قُلْ	<table border="1" style="border-radius: 15px; width: 100%; text-align: center;"> <tr><td>وَعَدَ</td></tr> <tr><td>يَعِدُ</td></tr> <tr><td>عِدْ</td></tr> </table>	وَعَدَ	يَعِدُ	عِدْ	
هَدَى												
يَهْدِي												
اهْدِ												
قَالَ												
يَقُولُ												
قُلْ												
وَعَدَ												
يَعِدُ												
عِدْ												
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>										

– آیا این بار هم توانستید به راحتی حروف اصلی فعل‌ها را مشخص کنید؟

سؤال:

– با چه مشکلی مواجه شدید و چه نتیجه‌ای گرفتید؟

حروف اصلی این فعل‌ها، ظاهراً در صیغه‌های مختلف ثابت و یکسان نیست!

نتیجه:

حروف اصلی فعل‌های فوق به ترتیب «وع د»، «قول» و «هدی» است.

اما چرا این حروف، در صیغه‌های ماضی، مضارع و امر با تغییراتی همراه بوده است؟

باید دانست که :

در میان ۲۹ حرف الفبای عربی، سه حرف «الف»، «واو» و «یاء» در صیغه‌های مختلف، حالت ثابتی ندارند. لذا آن‌ها را «حروف عله» می‌نامند.

اهمیت سه حرف «واو»، «الف» و «یاء» به اندازه‌ای است که فعل‌ها را بر اساس داشتن یا نداشتن آن‌ها، به دو گروه، تقسیم نموده‌اند :

۱

«فعل مُعتَلّ»

فعلی است که در حروف اصلی آن، حرف عله باشد.

مانند :

وَعَدَ، قَالَ، هَدَى

۲

«فعل صحیح»

فعلی است که در حروف اصلی آن، حرف عله نباشد.

مانند :

نَصَرَ، قَرَأَ، نَزَلَ

للتَّدریب: عینِ المَعْتَلِّ و الصَّحیح: «اصبروا، وَعَدْنَا، قاموا، یَمْلِکَان، تَتَلَوْا»

در زبان عربی تعداد فعل‌های معتل اندک نیست.

به چند نمونه از آیات

قرآن کریم توجه کنیم :

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾

﴿لَمْ يَلِدْ و لَمْ يُوَلَدْ﴾

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدِينِ﴾

﴿إِنَّا نَعْبُدُ و إِنَّا نَسْتَعِينُ﴾

﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾

بنابراین شایسته است با توجه به استفاده‌ی فراوان از این فعل‌ها در زبان عربی (آیات

کریمه‌ی قرآن، ادعیه، احادیث و ...) با این فعل‌ها و تغییرات آن‌ها آشنا شویم.

«انواع فعل معتل»

«فاء الفعل» آن حرف عله است. مانند: وَهَبَ، وَرِثَ، يَقِينُ، يَسِرُ	مثال	انواع فعل معتل
«عين الفعل» آن حرف عله است. مانند: عَادَ، قَالَ، جَاءَ، زَادَ	اجوف	
«لام الفعل» آن حرف عله است. مانند: دَعَا، تَلَا، هَدَى، رَأَى	ناقص	

دانستیم که فعل معتل در صیغه‌های مختلف با تغییراتی همراه است. اما آیا نباید این تغییرات، دارای ضابطه و قاعده‌ی مخصوصی باشند؟

به یک مثال توجه کنید:

اگر روزی دچار دندان درد شدیدی شویم، می‌توانیم یکی از روش‌های زیر را به کار ببریم:



«تسکین درد با دارو» «ترمیم دندان نزد دندانپزشک» «کشیدن و بیرون آوردن دندان موردنظر»

حرف عله را نیز می‌توان به یک عضو بیمار، تشبیه کرد که وقتی در فعلی قرار گرفت،

باید به نحوی آن را معالجه نمود!

«حذف حرف عله»

الإِغْلَالُ بِالْحُذْفِ

«تبدیل حرف عله به حرفی مناسب»

الإِغْلَالُ بِالْقَلْبِ

«ساکن نمودن حرف عله»

الإِغْلَالُ بِالِإِسْكَانِ

إِهْدِي
إِهْدِي

قَوْلَ
قَالَ

يَهْدِي
يَهْدِي

به روش‌هایی که برای ایجاد سهولت، در صرف فعل معتل و درمان حروف عله به کار

می‌روند «قواعد اعلال» گفته می‌شود، که در این کتاب به صورت بسیار خلاصه و مجمل

به آن‌ها می‌پردازیم.

۱- حرف عله‌ی «الف» از تغییر «واو» و «باء» بدست می‌آید. بنابراین هرگاه حرف عله، «الف» (ی، ا) باشد، اعلال

قلب صورت گرفته است. مانند: قال (قول)، باع (بيع)، دعا (دعو)، هدى (هدى)، أقام (أقوم) و...

بعد از شناختن حروف عله ، فعل معتل و إعلال ، اکنون به صرف فعل های

معتل توجه کنیم :

﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ﴾ خداوند به مردان و زنان مؤمن، بهشت‌هایی را وعده داد.
 ﴿وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا﴾ و خداوند شما را به آمرزش خویش و فزونی نوید می‌دهد.

۱- فعل های «وَعَدَ» و «يَعِدُ» چه نوع معتلی هستند؟

چند سؤال: ۲- حروف اصلی آن‌ها چیست؟

۳- آیا در فعل «يَعِدُ» تغییری برای حرف عله داده است؟

در جدول زیر، صرف فعل مثال «وَعَدَ» در کنار فعل صحیح «جَلَسَ» قرار گرفته :

آن‌ها را با هم مقایسه کنید :

«جَلَسَ»			«وَعَدَ»			
الأمر	المضارع	الماضي	الأمر	المضارع	الماضي	الصيغة
	يَجْلِسُ	جَلَسَ		يَعِدُ	وَعَدَ	للغائب
	تَجْلِسُ	جَلَسْتَ		تَعِدُ	وَعَدْتَ	للغائبة
	يَجْلِسَانِ	جَلَسَا		يَعِدَانِ	وَعَدَا	للغائبين
	تَجْلِسَانِ	جَلَسْتَا		تَعِدَانِ	وَعَدْتَا	للغائبتين
	يَجْلِسُونَ	جَلَسُوا		يَعِدُونَ	وَعَدُوا	للغائبين
	يَجْلِسْنَ	جَلَسْنَ		يَعِدْنَ	وَعَدْنَ	للغائبات
اجلس	تجلس	جَلَسْتَ	عد	تعِدُ	وَعَدْتَ	للمخاطب
اجلسي	تجلسين	جَلَسْتِ	عدي	تعدين	وَعَدْتِ	للمخاطبة
اجلسا	تجلسان	جَلَسْتُمَا	عدا	تعدان	وَعَدْتُمَا	للمخاطبين
اجلسا	تجلسان	جَلَسْتُمَا	عدا	تعدان	وَعَدْتُمَا	للمخاطبتين
اجلسوا	تجلسون	جَلَسْتُمْ	عدوا	تعدون	وَعَدْتُمْ	للمخاطبين
اجلسن	تجلسن	جَلَسْتُنَّ	عدن	تعدن	وَعَدْتُنَّ	للمخاطبات
	اجلس	جَلَسْتُ		اعدُ	وَعَدْتُ	للمتكلم وحده
	تجلس	جَلَسْنَا		نعِدُ	وَعَدْنَا	للمتكلم مع الغير

در صیغه‌های مختلف، حرف عله را شناسایی کنید!

تکرار و تمرین، شما را در صرف فعل های معتل ورزیده می‌کند.

نتیجه:

با دقت در صرف فعل مثال «وَعَدَ»، ستون «الف» را با استفاده از عبارت‌های ستون «ب» کامل کنید:

(ب)

(الف)

حرف عله در تمام صیغه‌ها حذف می‌شود.

فعل ماضی:

مانند فعل صحیح صرف می‌شود.

فعل مضارع معلوم:

حرف عله در تمام صیغه‌ها حذف می‌شود.

فعل امر مخاطب:

للتدرب

إِمْلَأُ الْفَرَاقَاتِ عَلَى حَسَبِ مَا تَعَلَّمْتَ:

الماضي	المضارع	الأمر «للمخاطب»
وَجَدَ
وَقَفَ
وَصَلَ

به فعل «وجد» در باب افعال توجه کنید :

مصدر	أمر	مضارع	ماضی
...	أُوجِدُ	يُوجِدُ	أُوجِدَ

در ماضی و مضارع و امر تغییری در حرف عله صورت نگرفته است ؛ اما مصدر آن کدام است؟

الف) اوجداد ب) ایجاد

باید دانست که در مصدر باب افعال از فعل مثال، «واو» به «یاء» تبدیل می شود.

بنابراین پاسخ «...» درست است.

للتدريب

اكتب المصادر:

فعل	وَرَدَ	وَجَزَّ
افعال

- ۱- فعل از ارکان جمله است. هنگام ترجمه به زمان و صیغه‌ی آن توجه کنیم!
- ۲- هنگام ترجمه‌ی فعل، لازم یا متعدی بودن آن را مورد توجه قرار دهیم!
- ۳- شناخت و دقت روی برخی مسائل که مختص اسم می‌باشد، از قبیل: مفرد، مثنی، جمع بودن، نوع مشتق، معرفه و نکره بودن و... برای ترجمه‌ی صحیح ضروری است.
- ۴- دقت کنیم که هر فعل، فاعل یا نائب فاعلی دارد. هنگام ترجمه، آن‌ها را درست تشخیص دهیم.

فهم نکته‌های دستوری می‌تواند ما را در ترجمه‌ی صحیح و دقیق یاری کند!

متن زیر را بخوانید و پس از پاسخ دادن به سوالات، آن را ترجمه کنید:

برای این که مترجم خوبی شویم، به تمرین زیاد نیاز داریم!

قال البلبِلُ لِلصَّقْرِ: أَنَا أَعْجَبُ مِنْ حَالِي وَحَالِكَ. أَنْتَ مُكْرَمٌ وَمُحِبُّوبٌ عِنْدَ النَّاسِ. يَحْمِلُكَ الْأَشْرَافُ عَلَى أَيْدِيهِمْ مَعَ أَنَّكَ لَا تَنْطِقُ. وَأَنَا مَحْبُوسٌ مُحْتَفَرٌّ مَعَ أَنِّي نَاطِقٌ مُعْرَدٌ. قَالَ الصَّقْرُ: إِنَّهُمْ يُكْرِمُونَنِي لِأَنِّي أَصِيدُ لَهُمْ وَلَا أَتَكَلَّمُ. فَأَنَا أَعْمَلُ وَلَا أَتَكَلَّمُ وَلَكِنَّكَ تُعْرَدُ وَلَا تَعْمَلُ عَمَلًا. فَأَنْتَ تَقُولُ وَلَا تَعْمَلُ!

مترجم، مسؤل انتقال صحیح و دقیق متن اصلی است!

مترجم علاوه بر عالم بودن، به ذوق هنری نیز نیاز دارد. ترجمه، کاری هنرمندانه است!

أَسْئَلَةٌ:

- ۱- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي مَعْنَى الْكَلِمَاتِ :
 - «صَقْرٌ»: ○ گنجشک ○ کبوتر ○ باز شکاری ○
 - «مُحْتَفَرٌّ»: ○ تحقیر شده ○ تحقیر کننده ○ کوچک و صغیر ○
 - «مُعْرَدٌ»: ○ آوازه خوان ○ مغرور ○ آواز پرنده ○
- ۲- عَيْنِ الْعُنْوَانِ الْمُنَاسِبِ لِلنَّصِّ : صَيْدُ الصَّقْرِ ○ أَلْقُولُ وَالْعَمَلُ ○ كِرَامِ النَّاسِ ○
- ۳- مَا هُوَ الْقَصْدُ مِنَ النَّصِّ؟ دَمُّ التَّنَطُّقِ ○ تَغْرِيدُ الْبُلْبُلِ ○ مَدْحُ الْعَمَلِ ○

التمرين الأول

عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمُعْتَلَّةَ وَاجْعَلِهَا فِي الْجَدُولِ:

- ١- ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ﴾
- ٢- ﴿إِنَّ الْأَرْضَ يَرِنُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾
- ٣- أَللَّهُمَّ ﴿هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾
- ٤- ﴿وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾

◀ الفعل المعتل

◀ الحروف الأصلية

◀ نوع المعتل

التمرين الثاني

إملاُ الفراع بالصيغة المناسبة:

- ١- ﴿و... الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ «يَضَعُ» للمتكلم مع الغير
- ٢- ﴿فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا...﴾ «يَصِفُ» للغائبين
- ٣- ﴿الَّذِينَ... الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ «يَرِثُ» للغائبين
- ٤- ﴿وَلَنْ... لِسِنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ «يَجِدُ» للمخاطب

التمرين الثالث

صُغِ الصِّغَةُ الْمُنَاسِبَةُ:

- ١- ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ... بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبُغْضَ﴾

المضارع من «وقع» في باب إفعال

٢- ﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَ... نَا الْأَرْضِ﴾

الماضي من «ورث» في باب إفعال

التمرين الرابع

صَحَّ الأخطاء وَاكْتُبْها في الفَراغ:

إِضَاعَةُ الوَقتِ أَشَدَّ مِنَ المَوْتِ. لِأَنَّ إِضَاعَةَ الوَقتِ تَقَطَّعَكَ عَنِ اللّهِ وَالدَّارِ
الْآخِرَةِ. وَالمَوْتُ تَقَطَّعَكَ عَنِ الدُّنْيَا وَأهلِهَا.

١- ... ٢- ... ٣- ... ٤- ... ٥- ...

التمرين الخامس

اجْعَلِ الفِعْلَ المضارعَ بِصِغَةِ الأمرِ:

- ١- أَنْتَنَنْ تَقْفَنَ فِي الصَّلَاةِ بِخُشُوعٍ.
- ٢- أَنْتَ تَهَبُ المَسْكِينَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ.
- ٣- أَنْتُمْ تَعِدُونَ إِخْوَانَكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا.

التمرين السادس

إِقرأ العباراتِ التَّالِيَةَ وَترْجِمْها إلى الفارسيَّةِ ثُمَّ اكْتُبْ ما طُلبَ مِنْكَ:

إِلَهِي حَقَّقْ فِيكَ أَمَلِي وَاخْتِمِ بِالْخَيْرِ عَمَلِي وَاجْعَلْنِي مِنْ
صَفْوَتِكَ الَّذِينَ أَوْرَثْتَهُمْ مَنَازِلَ الصَّدَقِ فِي جِوَارِكِ. يَا مَنْ لَا يَفِدُّ
الْوَافِدُونَ عَلَيَّ أَكْرَمَ مِنْهُ وَلَا يَجِدُّ القَاصِدُونَ أَرْحَمَ مِنْهُ.

من الدِّعَاءِ العَاشِرِ لـ «المناجاة الخمسة عشر»

- ١- عَيْنِ الجَمْعِ وَادْكُرْ نِوعَهُ.
- ٢- اسْتَخْرِجِ الأفعالَ المَعْتَلَةَ.

مقدمه

زبان واسطه‌ی ظهور پیام‌های الهی است. در مطالعات زبان‌شناسی، گاهی ساختارهای دستوری و شکل‌های ظاهری زبان را مدّ نظر قرار می‌دهیم و گاه دلالت‌ها و معانی مستور و پنهان را! در سال‌های پیش تلاش ما مصروف شناخت ساختارهای ظاهری و قواعد دستوری بود. حال در این صفحات سعی خواهیم کرد نگاهی به جنبه‌های معنایی و مدلولات پنهانی کلام وحی بیفکنیم!

فصاحت و بلاغت

شناخت فصاحت و بلاغت کلام، معیار زیباشناختی

کلام وحی است!

تشخیص فاعل و مفعول و مبتدا و خبر و ... در حقیقت شناخت ظاهر جملات است.

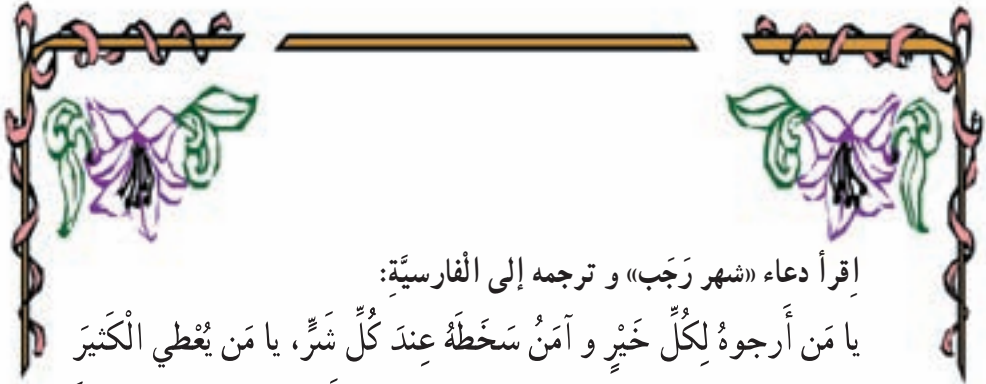
در ورای جملات یک متن ادبی اعجاز‌آمیز چون قرآن کریم، معانی و مفاهیم شگرفی نهفته است!

سخنی را «بلیغ» به‌شمار می‌آوریم که علاوه بر «فصاحت» کلمات و زیبایی مفردات، مطابق «مقتضای حال» باشد.

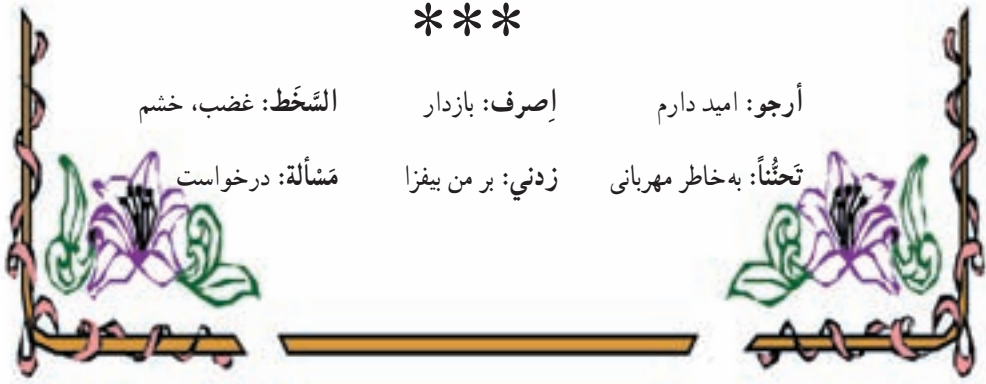
بلاغت حکم می‌کند که سخن‌گفتن با مخاطبی که نسبت به پیام ما موضعی خاص ندارد، با زمانی که تردید و یا انکار را در وجود مخاطب احساس کنیم تفاوت کند! و این همان رعایت مقتضای حال است که گفته‌اند: «لِكُلِّ مَقَامٍ مَقَالٌ».

بلاغت حکم می‌کند که معانی را بسنجیم و توانایی مستمعان را مدّ نظر قرار دهیم و حالات آن‌ها را فراموش نکنیم و با رعایت همه‌ی این شرایط، سخن مناسبی را بر زبان برانیم! و این‌ها همه در کلام الهی به نحو اکمل و اتمّ گرد آمده است. و ما در این صفحات برآنیم که گوشه‌ای از این ظرایف را بنمایانیم و گامی برای فهم و درک بهتر کلام وحی برداریم!

(۱) به مقدمه مراجعه شود.



اِقْرَأْ دَعَاءَ «شَهْرِ رَجَبٍ» وَ تَرْجَمِهِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ:
 يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَ آمَنْ سَخَطُهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ، يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ
 بِالْقَلِيلِ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنُّنًا
 مِنْهُ وَ رَحْمَةً، أَعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ جَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ وَ
 اصْرِفْ عَنِّي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَ شَرِّ الْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا
 أَعْطَيْتَ، وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ، يَا كَرِيمٌ...



أَرْجُو: اميد دارم اِصْرِفْ: بازدار السَّخَطُ: غضب، خشم
 تَحَنُّنًا: به خاطر مهرباني زِدْنِي: بر من بيفزا مَسْأَلَةٌ: درخواست